پیشنهاد ۴۸ ساعته تهران چه بود؟

ناگفته‌های طرح دیپلماتیک ایران برای مهار جنگ در گفت‌وگوی اختصاصی «ایران» با وزیر امور خارجه



عکس: رضا صفدریان/ ایران

گفت‌وگو

مریم سالاری
گروه دیپلماسی

پرسش‌ها و نگرانی‌هایی را که در این روزهای پرالتهاب، فراتراز محافل سیاسی و دیپلماتیک در افکار عمومی نیز جریان دارد، بی واسطه با او در میان بگذارم. تهران برای پایان دادن به وضعیت فرسایشی؛ نه جنگ، نه صلح» چه ابتکار عملی روی میز دارد؟ آیا واشنگتن حاضر است از محاصره و فشار به عنوان ابزار تحمیل اراده سیاسی دست بردارد؟ و اگر مسیر دیپلماسی همچنان به بی‌اعتنایی آمریکا مواجه شود، سرنوشت این تقابل به کدام سو خواهد رفت؟ عراقچی، با وجود خستگی ناشی از سفرها و رایزنی‌های فشرده در اسلام‌آباد و مسقط، با حوصله و خونسردی ویژه یک دیپلمات به پرسش‌های «ایران» پاسخ داد. از ابتکار دو روزه تهران گفت؛ پیشنهادی که پس از تقلیل برنامه هفت‌روزه به یک فرصت فشرده ۴۸ ساعته قرار بود با اجرای تعهدات آمریکا در دو روز اول و بازگشایی تنگه هرمز از سوی ایران در روز دوم، مسیر مذاکرات نهایی را هموار کند. اما با پاسخ مثبت واشنگتن مواجه نشد.

ما به دنبال توافقی هستیم که بعد از آن دیگر جنگی در کار نباشد.» این گزاره را می‌توان عصاره نگاه سید عباس عراقچی، وزیر امور خارجه به یکی از پیچیده‌ترین مقاطع روابط‌بیرونی تهران و واشنگتن دانست که در آن مرز میان دیپلماسی و میدان، میان توافق و تقابل، هر روز باریک‌تر می‌شود. این جمله در ذهنم ماند وقتی در پرواز بازگشت وزیر امور خارجه از سفر پاکستان و سپس عمان به تهران، فرصتی دست داد تا گفت‌وگویی مفصل با او داشته باشم؛ گفت‌وگویی که در آن تلاش کردم

ما به مجموعه‌ای از اقدامات اعتمادساز نیاز داریم تا مطمئن شویم این بار شرایط به دفعات گذشته متفاوت است و طرف آمریکایی واقعاً با جدیت وارد مسیر مذاکره شده است. درباره شکل و ساختار تصمیم‌گیری این کشور

اگر ایران در چارچوب طرح دوروزه، یکی از خواسته‌های آمریکا در موضوع هسته‌ای را می‌پذیرفت و قرار بود آن را از روز دوم اجرا کند، آیا فکر می‌کنید امکان پیشرفت و رسیدن به توافق وجود داشت؟ یا اساساً اختلافات دو طرف به گونه‌ای بود که حتی چنین انعطافی هم نمی‌توانست گره مذاکرات را باز کند؟

آنها چنین خواسته‌هایی داشتند. همان‌طور که عرض کردم، طرح دوروزه صرفاً شامل خواسته‌های ایران نبود، بلکه مطالبات طرف آمریکایی را هم در بر می‌گرفت. بنابراین یک طرح متوازن می‌توانست مبنای توافق باشد. اما آنچه مانع شد، بی‌اعتنایی طرف آمریکایی به تلاش‌ها و پیشنهادها بود. بنابراین، ما آمادگی خود را برای توافق نهایی همواره اعلام کرده‌ایم. اما این توافق باید متوازن باشد و منافع طرفین را تأمین کند.

آیا می‌توان از این بی‌اعتنایی اینطور برداشت کرد که گفته اراده برای جنگ در آمریکا سنگین‌تر شده و جریان‌های جنگ‌طلب در ساختار تصمیم‌گیری این کشور

داشته‌اید؟

این اظهارات را صرفاً یک موضع‌گیری سیاسی و رسانه‌ای تلقی می‌کنید یا در عمل هم نشانه‌هایی دیده‌اید که نشان دهد واشنگتن از مسیر دیپلماسی فاصله گرفته است؟

در عمل هم، حتی پیش از آنکه آقای ترامپ آن توئیت را منتشر کند، ما هیچ پاسخی از طرف آمریکایی دریافت نکرده بودیم. بنابراین، اگر آنها واقعاً برای توافق جدی هستند، طبیعی است که اولین انتظار ما این باشد که موضع خود را اصلاح کنند. البته اینکه آقای ترامپ هر روز موضع تازه‌ای بگیرد و حتی اظهارات روز قبل خود را تغییر دهد، اتفاق چندان عجیبی نیست، اما اولین خواسته ما این است که صریحاً اعلام کنند خواهان توافق هستند.

علاوه بر این، ما به مجموعه‌ای از دو عمل هم، حتی پیش از آنکه ترامپ آن توئیت را منتشر کند، ما هیچ پاسخی از طرف آمریکایی دریافت نکرده بودیم. بنابراین، اگر آنها واقعاً برای توافق جدی هستند، طبیعی است که نخستین انتظار ما این باشد که موضع خود را اصلاح کنند. البته اینکه آقای ترامپ هر روز موضع تازه‌ای بگیرد و حتی اظهارات روز قبل خود را تغییر دهد، اتفاق چندان عجیبی نیست، اما نخستین خواسته ما این است که صریحاً اعلام کنند خواهان توافق است.

علاوه بر این، ما به مجموعه‌ای از اقدامات اعتمادساز نیاز داریم تا مطمئن شویم این بار شرایط با دفعات گذشته متفاوت است و طرف آمریکایی واقعاً با جدیت وارد مسیر مذاکره شده است. درباره شکل و ساختار تصمیم‌گیری این کشور

برای مثال، اگر بخواهند دوروزه را به یک روز یا حتی دو ساعت تغییر دهند، برای ما مسأله‌ای نیست؛ آنچه اهمیت دارد، تحقق خواسته‌ها ماست. اگر خواسته‌های ایران تأمین شود، تنگه هرمز باز خواهد شد. حتی اگر درباره جزئیات و چگونگی اجرای همین شروط هم نیاز به گفت‌وگو باشد، ما آمادگی داریم در سطح کارشناسی وارد مذاکره شویم. بنابراین، در اصل گفت‌وگو و بررسی پیشنهادها مشکلی نداریم؛ اما این امر منوط به آن است که طرف آمریکایی ابتدا مواضع خود را اصلاح کند و اقدامات اعتمادساز لازم را انجام دهد.

یکی از گره‌های مهم و احتمالاً تعیین‌کننده در مذاکرات آمریکا در موضوع هسته‌ای را می‌پذیرفت و قرار بود آن را از روز دوم اجرا کرد، آیا فکر می‌کنید امکان پیشرفت و رسیدن به توافق وجود داشت؟ یا اساساً اختلافات دو طرف به گونه‌ای بود که حتی چنین انعطافی هم نمی‌توانست گره مذاکرات را باز کند؟

آنها چنین خواسته‌هایی داشتند. همان‌طور که عرض کردم، طرح دوروزه صرفاً شامل خواسته‌های ایران نبود، بلکه مطالبات طرف آمریکایی را هم در بر می‌گرفت. بنابراین یک طرح متوازن می‌توانست مبنای توافق باشد. اما آنچه مانع شد، بی‌اعتنایی طرف آمریکایی به تلاش‌ها و پیشنهادها بود. بنابراین، ما آمادگی خود را برای توافق نهایی همواره اعلام کرده‌ایم. اما این توافق باید متوازن باشد و منافع طرفین را تأمین کند.

دست بالا را پیدا کرده‌اند؟

اگر این دو شرط محقق شود، ما آمادگی داریم درباره طرح خود و چگونگی اجرای آن با طرف آمریکایی گفت‌وگو کنیم. خواسته ما کاملاً روشن است: هفت خطی که مطرح کرده‌ایم باید اجرا شود تا تنگه هرمز باز شود.

البته آقای آمریکایی‌ها درباره نحوه اجرای این شروط پیشنهاد یا نظری داشته باشند، ما آماده شنیدن هستیم. اینکه چگونه این موارد را روی کاغذ بیاوریم، چگونه تنظیم کنیم و به چه شکلی به توافقی مطلوب برای هر دو طرف برسیم، موضوعی است که می‌توانیم درباره آن مذاکره کنیم.

تصمیم‌گیری‌ها در کمیته شورای عالی مذاکرات امنیتی ملی انجام می‌شود یا خود شورا به تصویب نهایی می‌رسد. این تصمیمات نیز مراحل مختلفی را طی می‌کنند تا به مصوبه نظام تبدیل شوند. بنابراین، درباره همه این موضوعات برایمان توضیح دهید

- ایران اوایل مهرماه طرح مختصر خود را از طریق واسطه‌های قطری به آمریکا ارائه کرد. پس از دو ماه رایزنی، یکی دو مورد از خواسته‌های آمریکا نیز به طرف اضافه شد.
- واسطه‌ها به دلیل محدود بودن زمان تا انتخابات آمریکا توصیه کردند که برای تسریع در اجرای طرح، مدت اجرای طرح ۷ روزه را به کوتاه‌تر کنیم. ما هم مخالفتی نداشتیم و طرح ۷ روزه را به طرحی ۲ روزه تبدیل کردیم و این طرح را ۱۰ روز پیش از انتخابات آمریکا ارائه کردیم.
- در روز اول، آمریکایی‌ها اقدامات و تعهدات خود را اجرا می‌کردند و در روز دوم، ما تنگه هرمز را باز می‌کردیم و در همان روز مذاکرات میان ایران و آمریکا آغاز می‌شد.
- طرح دوروزه صرفاً شامل خواسته‌های ایران نبود، بلکه مطالبات طرف آمریکایی را هم در بر می‌گرفت. بنابراین یک طرح متوازن مواجه بودیم که تلاش شده بود خواسته‌های هر دو طرف در آن لحاظ شود.
- ما آمادگی داریم درباره نحوه تنظیم و اجرای شروط و سناریو به توافقی مورد قبول دو طرف با آمریکا مذاکره کنیم. حتی درباره تغییر زمان‌بندی اجرای شروط، از دو روز به یک روز یا دو ساعت نیز انعطاف داریم اما منوط به اینکه طرف آمریکایی اقدامات اعتمادساز لازم را انجام دهد.
- ادعاهای مطرح‌شده درباره حمله شیمیایی ایران به واشنگتن، ترور رهبران و پنهان‌سازی موشک‌ها ادعاهایی مضحک، مسخره و کاملاً بی‌اساس هستند.
- یک طرف ماجرا اسرائیل است؛ نتانیاهو تلاش می‌کند آمریکا را با بار دیگر به یک جنگ دیگر بکشاند. جریانی نیز وجود دارد که می‌خواهد از توافق رسید و نه جنگ گزینه مناسبی است؛ بلکه باید از طریق فشارهای اقتصادی و تحریم‌ها به پیش رفت.

برش

برای توافق نهایی هموار شود؟

به قرار بود در روز دوم تنگه هرمز باز شود و مذاکرات ایران و آمریکا برای دستیابی به توافق نهایی آغاز شود؛ یعنی کل فرایند در دو روز انجام می‌شد. در روز اول، آمریکایی‌ها اقدامات و تعهدات خود را اجرا می‌کردند و در روز دوم، ما تنگه هرمز را باز می‌کردیم و مذاکرات میان ایران و آمریکا آغاز می‌شد. تأکید می‌کنم که مذاکرات از روز دوم شروع می‌شد، نه اینکه در همان روز به نتیجه می‌رسید.

در یادداشت تفاهم اسلام‌آباد، ما یک بازه زمانی ۶۰ روزه برای مذاکرات در نظر گرفته بودیم که البته قابل تمدید هم بود؛ اما در این طرح، دیگر چنین فرصت زمانی‌ای وجود نداشت و قرار بود مذاکرات بلافاصله آغاز شود و هرچند لازم بود ادامه پیدا کند. بنابراین با یک طرح کاملاً عملیاتی مواجه بودیم که هم خواسته‌های ما و هم خواسته‌های طرف مقابل را در بر می‌گرفت و در عین حال، مسیرها برای مذاکره باز می‌کرد.

ما این طرح را تقریباً ۱۰ روز پیش از انتخابات آمریکا به طرف آمریکایی ارائه کردیم. اگر آن را پذیرفته بودند، چه‌بسا نتایج و تحولات بعدی نیز به شکل دیگری رقم می‌خورد. البته برای ما اساساً مهم نبود چه کسی در انتخابات پیروز می‌شود و چه کسی شکست می‌خورد؛ آنچه اهمیت دارد، منافع ملی و تأمین خواسته‌های کشور است.

ما آمریکایی‌ها، به هر دلیلی با درگیر فضای انتخاباتی بودند، یا موضوع را به‌درستی درک نکردند، یا شرایط لازم برای پاسخ مثبت فراهم نشد، در هر صورت، پاسخ مساعدی به این

ما آیا واقعاً خواهان محاصره، فشار اقتصادی و تحریم‌های بیشتر علیه خود هستند؟ اگر چنین رویکردی وجود داشته باشد، به نظرم یک جنگ و ناامنی باشد، اما بخش دیگری از منطقه در صلح و ثبات زندگی کند. در هر منطقه‌ای همین طور است.

درس سوم نیز همبستگی نزدیک صلح با رفاه و پیشرفت اقتصادی است. نمی‌توان انتظار داشت بخشی از منطقه در مسیر توسعه و پیشرفت حرکت کند، در حالی که بخش دیگری با مشکلات اقتصادی مواجه باشد.

از رفت‌وآمد مقام‌های قطری گرفته تا سفرهای دیپلماتیک اخیره، نظرمی‌رسد کانال‌های ارتباطی همچنان فعالند. آیا تبادل پیام‌ها همچنان بر اساس طرح دوروزه ایران ادامه دارد؟ کشورهای عربی و میانجی‌های منطقه‌ای تا چه اندازه با ابتکار دیپلماتیک ایران همراه هستند و چه نقشی در پیشبرد این روند ایفا می‌کنند؟

من تصور می‌کنم این نگاه در میان بسیاری از کشورهای منطقه وجود دارد. البته ممکن است وقتی وارد بررسی موردی کشورها می‌شویم، تفاوت‌هایی در مواضع و تصمیمات همواره تصمیمات درستی اتخاذ نمی‌کنند. برای مثال، امارات تصمیم راهبردی غلطی گرفت و با اسرائیل رابطه برقرار کرد. از نظر من، این تصمیم یک اشتباه راهبردی بود.

با این حال، معتقدم مجموعه کشورهای منطقه از این جنگ درس‌های بزرگی گرفته‌اند. شاید مهم‌ترین درس این باشد که برای تأمین امنیت خود نمی‌توانند به نیروهای خارج از منطقه متکی باشند. پایگاه‌های نظامی آمریکا یا هر کشور دیگری لزوماً نمی‌توانند امنیت

برش

- امکان دستیابی به یک فرمول برای حل مسأله ذخایر ۴۰۰ کیلوگرم وجود دارد. این مواد از کشور خارج نخواهد شد. ایده‌ها و فرمول‌های مختلفی از سوی واسطه‌ها مطرح شده است که برخی از این پیشنهادها قابل بررسی هستند، بعضی نقاط مثبت بیشتری دارند و برخی دیگر با ملاحظات و نقاط منفی بیشتری همراهند.
- تصمیم‌گیری‌ها در کمیته مذاکرات شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود و سپس در خود این شورا به تصویب می‌رسد.
- هر تحولی در دکترین هسته‌ای جز از منظر منافع و چه از منظر هزینه‌های احتمالی، تصمیمی بالاتر و بسیار مهم خواهد بود. روسیه و چین هم در این زمینه مواضع مخالفی دارند. تا این لحظه، دکترین ما تغییری نکرده و مواضع رسمی ما همچنان همان مواضع قبلی است.
- در سطوح عالی کشور این نگاه وجود دارد که وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باید به پایان برسد. اگر قرار است از این وضعیت خارج شویم، باید به شرایطی برسیم که اطمینان داشته باشیم جنگ دوباره بازنمی‌گردد و بار دیگر با وضعیت «نه جنگ، نه صلح» مواجه نخواهیم شد.
- آمریکا سعی دارد این روایت را جا بیندازد که کشورهای منطقه از او خواسته‌اند جنگ را متوقف کند اما به جای آن، اهدافی را مطرح کرده‌اند که به جای آن، بیشتر به برداشت موافق نیستم.
- واسطه‌ها یعنی قطر و پاکستان، میان ما و آمریکا در رفت‌وآمد هستند؛ پیام منتقل می‌کنند، پیام می‌آورند، ایده‌ها و فرمول‌های مختلفی از سوی واسطه‌ها مطرح شده است که برخی از این پیشنهادها قابل بررسی هستند، طبیعی نقاط مثبت بیشتری دارند و برخی دیگر با ملاحظات و نقاط منفی بیشتری همراهند.
- تصمیم‌گیری‌ها در کمیته مذاکرات شورای عالی امنیت ملی انجام می‌شود و سپس در خود این شورا به تصویب می‌رسد.
- هر تحولی در دکترین هسته‌ای جز از منظر منافع و چه از منظر هزینه‌های احتمالی، تصمیمی بالاتر و بسیار مهم خواهد بود. روسیه و چین هم در این زمینه مواضع مخالفی دارند. تا این لحظه، دکترین ما تغییری نکرده و مواضع رسمی ما همچنان همان مواضع قبلی است.
- در سطوح عالی کشور این نگاه وجود دارد که وضعیت «نه جنگ، نه صلح» باید به پایان برسد. اگر قرار است از این وضعیت خارج شویم، باید به شرایطی برسیم که اطمینان داشته باشیم جنگ دوباره بازنمی‌گردد و بار دیگر با وضعیت «نه جنگ، نه صلح» مواجه نخواهیم شد. برای رسیدن به این نقطه باید صبر کنیم تا شرایط لازم فراهم شود و بتوانیم به یک نتیجه موفقیت‌آمیز برسیم. چه فایده‌ای دارد امروز اظهاراتی را مطرح کنیم که دو ماه بعد دوباره نقض شود و جنگ از سر گرفته شود؟

آخرین بار هم پس از ۱۵ روز از توافق دوباره جنگ آغاز شد. از زمان ۱۲ روزه تا جنگ ۴۰ روزه نیز حدود هشت ماه فاصله بود. بنابراین، ما باید به گونه‌ای توافق کنیم که آن توافق دائمی و نهایی باشد و دیگر شاهد بازگشت جنگ نباشیم.

اینکه کشورهای منطقه جنگ نمی‌خواهند، درست است؛ اما آیا واقعاً خواهان محاصره، فشار اقتصادی و تحریم‌های بیشتر علیه خود هستند؟

به پیروزی مطلق برسد اما وقتی وارد مسیر توافق می‌شوید، در واقع قطعاً مطلوب است؛ اما به شرط آنکه توافق، توافق خوبی باشد. هر توافقی ارزش آن را ندارد که صرفاً برای خروج از شرایط فعلی به آن تن به‌دهیم. باید پیچیدگی‌های این مسأله را به‌درستی درک کنیم.

شما در یکی از اظهارات اخیرتان که پیش از انتخابات مجلس آمریکا مطرح شد، تعبیری داشتید که قابل تأمل بود: «آنجا گفتید آمریکایی که خواهد از ایران امتیاز بگیرد اما ما به آن امتیازی نمی‌دهیم. این موضوع را کمی دقیق‌تر روشن کنید. مرز میان یک بده‌بستان دیپلماتیک و امتیازدهی به طرف مقابل کجاست؟

بله اما مسأله اصلی این است که چه امتیازی باید بدهیم. نکته اینجاست که شما پس از این همه مقاومت، نباید امتیازی به طرف مقابل بدهید که بتواند آن را به‌عنوان پیروزی خودش معرفی کند. قطعاً چنین امتیازی را ما خواسته‌های برحقی داریم. بالاخره جنگی علیه ما اتفاق افتاده و مورد تهاجم قرار گرفته‌ایم؛ آن هم در شرایطی که هیچ تقصیری نداشتیم و در حال مذاکره بودیم. هیچ کسی نمی‌تواند انکار کند که ما دو بار در حال مذاکره بودیم و در هر دو نوبت به ما حمله شد. بار سوم نیز مذاکره کردیم، به توافق رسیدیم و توافق وارد مرحله اجرا شد، اما باز هم طرف مقابل آن را نقض کرد و جنگ دیگری آغاز شد. یعنی در طول دو سال گذشته، سه بار تجربه مذاکره و جنگ را پشت سر گذاشته‌ایم.

بنابراین، اگر قرار است از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» خارج شویم، باید به شرایطی برسیم که اطمینان داشته باشیم که در نتیجه، خروج از وضعیت «نه جنگ، نه صلح» به صلح، و رسیدن به توافق،